

آب از نظر ادیان

دکتر محمد جواد جنیدی

آب از نظر حتی قدیمی‌ترین مذاهب منشأ و مبدأ همه چیز بوده است. در میان ساکنان فرات و نیل این فکر حکمفرمائی میکرده است که «آبهای آغازی» جهان را فراگرفته بود و این آبها بدو نیروی مذکر و مؤنث تقسیم شدند و از وصلت ایندو دنیا بوجود آمد.

بابلی‌ها ایندو نیروی مذکر و مؤنث را بترتیب «آپسو^۱» و «تیاما^۲» و مصری‌ها «نون^۳» و «ننه^۴» می‌نامیدند.

مصریان چنین تصور میکردند که نیمکره سماوی^۵ قابل دیدن، از «آبهای اعلی^۶» و «آبهای اسفل^۷» تشکیل شده بود و سپس ایندو آب از یکدیگر جدا شدند ولی این جدائی بطور کامل انجام نگرفت بقسمی که فضائی بین آن دو تشکیل شد و «نطفه دنیا^۸» در این فضا پراکنده شد. چنین تصور میشود که علت پیدایش این فکر دو علت داشته که یکی آبی رنگ بودن آسمان و دیگری بارندگی بوده است بعلاوه مصریان اعتقاد داشتند که ستارگان در قایق‌ها روی آسمان گردش میکنند از اینرو تصور میکردند که يك اقیانوس سماوی وجود دارد. بعقیده مصریان

۱- Les eaux originelles

۳- Tiâmat

۶- l'hémisphère céleste

۸- Les eaux inférieures

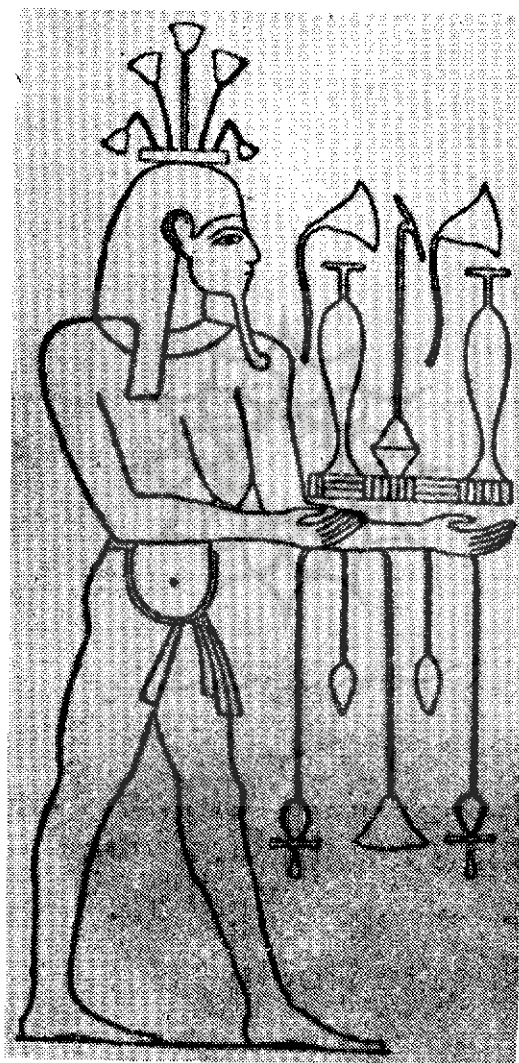
۲- Apsou

۵- Naunet

۷- Les eaux supérieures

۹- l'œuf du monde.

خشکی از آبهای اسفل جدا و جزیره خاکی تشکیل شد. قورباغه‌ها و مارها از گل ولای سربرون آوردند و سپس قدرت‌های خدائی اسرارآمیز



شکل ۱- خدای نیل (اقتباس از مجله سیبا)

و ظلمانی مشهور به نیروهای هشتگانه^۱ بوجود آمدند و سرانجام درخت سدر^۲ در آورد و پسر درخشان خورشید را زائید. سپس خدای خورشید، «را»^۳، سایر خدایان را آفرید و بشر نخستین بطرزی معجزه آسا از آنان بوجود آمد.

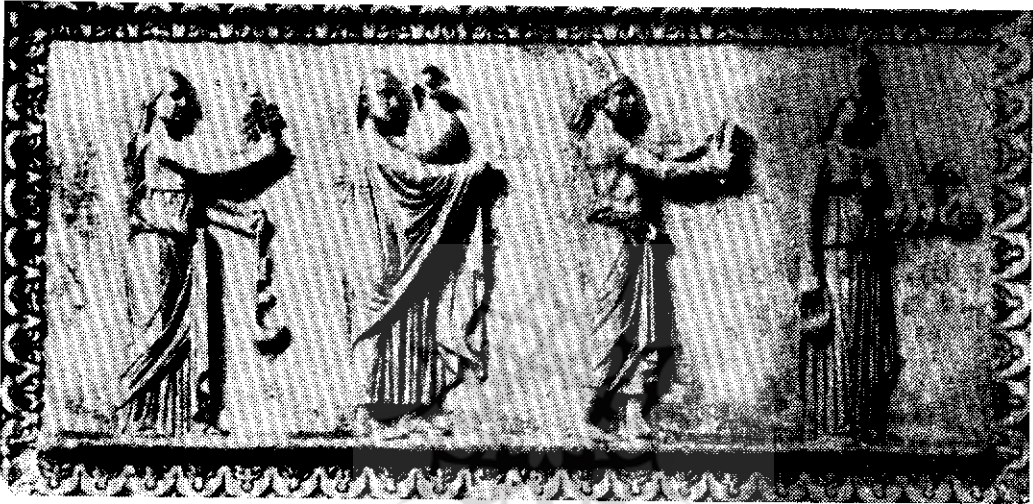
از نظر مصریان، نیل تصویر زمینی^۴ «نون» است که بمصر حاصلخیزی و بساکنان آن امکان حیات می بخشد. در نظر آنان، تجسم «خدای نیل» بصورت يك «دوجنسی»^۵ ریش دار با سینه زنانه بوده که روی سرش ساقه های «پاپی روس» و دردستانش دوسبوی آب و صلیب های حیات متصل بنوارهای باریك داشته است (شکل ۱).

آب نیل در تمام عبادات و نیایش های مصریان بویژه در اسرار «ایسیس»^۶ و «اوسیریس»^۷ نقش بزرگی داشته و در تشریفات مذهبی يك راهب بطرزی مجلل و با دستانی پوشیده سبویی پر از آب نیل را حمل می کرده است. شکل ۲ که حجاری دوره «یونان و روم» و درواتیکان است یکی از این مراسم را نشان میدهد که در آن «ایسیس» باماری پیچیده بدست چپ و مشربهای در دست راست، در جلو راه میرود و بدنبال او بترتیب راهب قاری، راهب حامل سبوی آب نیل و كمك راهب قرباتی كننده دیده میشوند.

اثر وردپای عقاید مصریان راجع به نیل در نجوم و تقویم وجود دارد و برخی از علائم با خط تصویری مصری نشان داده میشود و علامت «ورسو»^۸ یکی از صور فلکی منطقه البروج حتی امروزه با حروف تصویری

۱- Les grands Huit ۲- Iotus ۳- Ra
 ۴- Image terrestre ۵- Hermaphrodite
 ۶- Isis ۷- Osiris ۸- Verseau.

مصری که بمعنای آب است نمایش داده میشود. روی برخی از بناهای معظم مصری که مربوط بدوره یونان قدیم است، «ورسو» بصورت خدای نیل جلوه گر است و دو ظرفی که در دست اوست و در اواخر هزاره سوم



شکل ۲- حمل سبوی آب نیل در تشریفات مذهبی (اقتباس از مجله سیا)

قبل از میلاد در مصر پدید آمده است بعنوان علائم نجومی و تقویمی در برخی از کتب خطی ستاره شناسی متعلق بحدود قرون وسطی دیده میشود. شکل ۳ نقش برجسته‌ای از سقف رواق معبد «هاتور» واقع در مصر علیا و متعلق بقرن اول میلادی است و شخص وسط که دو ظرف در دستان دارد جلوه گر «ورسو» میباشد.

بابلی‌ها درباره اصول تکوین عالم نظراتی گسترده‌تر داشتند. بعقیده آنان از اختلاط آبهای آغازی یعنی «آپسو» و «تیااما»، که برای آنها مفهوم آب شیرین و آب شور را نیز داشت، «مومو»^۱ تولد یافت. «مومو»

۱- Hathor ۲- Moummou.

بمعنای ندا است و بعقیده بابلی‌ها این قوهٔ ناطقه پیکر گرفت و «لوگوس»^۱ بوجود آمده که بدنبال آن زوج‌های خدائی تولد یافتند و بعد از آن جهان بدو قسمت «علیا»^۲ و «سفلی»^۳ تقسیم شد و «خدایان سه‌گانه»^۴ بنامهای



شکل ۳- شخص وسط جلوه‌گر «ورسو» (اقتباس از مجله سیبا)

«آنو»^۵ و «آنتیل»^۶ و «آآ»^۷ جای آنها را گرفتند و حکمرانی جهان را تقسیم کردند. عرش اعلیٰ^۸ نصیب «آنو» و عرش اوسط^۹ از آن «آنتیل» شد و عرش اسفل^{۱۰} به «آآ» رسید. چون قسمت اخیر با آبهای پائین که زمین روی آن شناور بود تلاقی کرد، «آآ» این امتیاز را یافت که خدای آبهای زمین شود. بعقیده بابلی‌ها، او با بستگانش در اعماق نمناک سکنی

۱- Logos ۲- Haut ۳- Bas

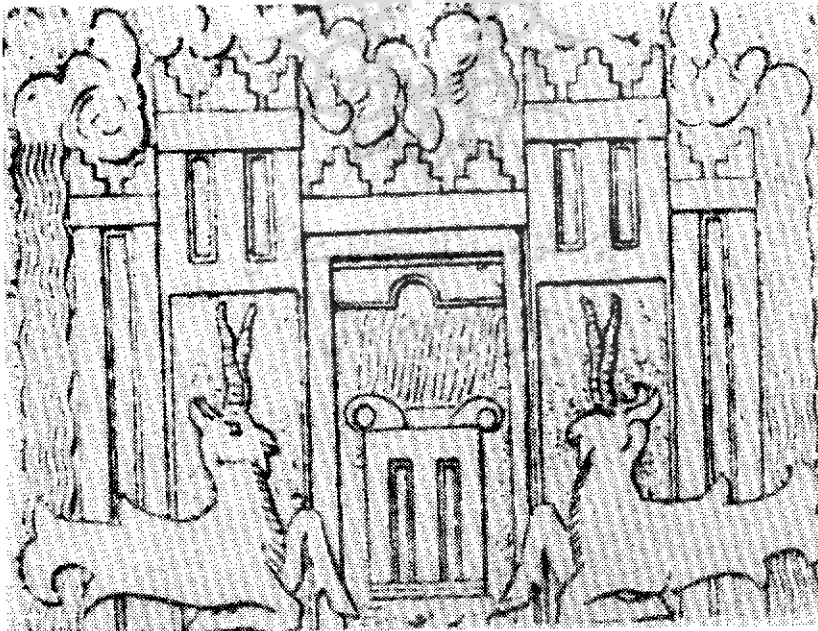
۴- Triade de dieux ۵- Anou ۶- Entil

۷- Ea ۸- Le ciel supérieur ۹- Le ciel moyen

۱۰- Le ciel inférieur.

داشت و از آنجا چشمه‌های پر خیر و برکت بی‌لامیفرستاد که آب آنها به بشر حیات می‌بخشید. او حلیم و خیر خواه، خوب و خیلی عاقل بود. بعقیده سومری‌ها «آ» خالق انسان بود و نوشتن، اطاعت از قانون، خانه سازی و کاشتن را بانسان آموخت. او حافظ صنعت و علوم بود و بویژه به پزشکان توجه خاص داشت. قدس‌الافداس او بنام «اریدو»^۱ نزدیک ناحیه‌ای بود که رود فرات بخلیج فارس میریخت. بیکره بز بادنباله ماهی^۲ رمز و علامت این خدا بوده است.

شکل ۴ «مهر بزرگ آسور»^۳ است که جلوه‌گر یک معبد «آ» و متعلق بحدود هزار قبل از میلاد می‌باشد. در بالای شکل، ابرها و در



شکل ۴- دو «بز - ماهی» پاسداران یک معبد «آ» (اقتباس از مجله سیبا)

دو طرف همچنین در وسط، نماد خدا بصورت خطوطی منحنی (نشانه جریان آب) و دو «بز - ماهی» که نقش پاسداری دارند مشاهده میشود. «آ» در زبان سومری بمعنای آب است که ضمناً معنای «نطفه» و «توکیدکننده» را نیز میدهد.

کتاب مقدس در «سفر پیدایش» چنین میگوید:

« در ابتداء خدا آسمانها و زمین را آفرید. و زمین تهی و بائر بود و تاریکی بر روی لجه و روح خدا سطح آبها را فروگرفت... و شام بود و صبح بود روز اول. و خدا گفت فلکی باشد در میان آبها و آبها را از آبها جدا کند. و خدا فلک را بساخت و آبهای زیر فلک را از آبهای بالای فلک جدا کرد و چنین شد. و خدا فلک را آسمان نامید و شام بود و صبح بود روز دوم. و خدا گفت آبهای زیر آسمان در یکجا جمع شود و خشکی ظاهر گردد و چنین شد. و خدا خشکی را زمین نامید و اجتماع آبها را دریا نامید و خدا دید که نیکو است... »

«... خداوند خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید و آدم نفس زنده شد... »

در کیش مهری، مهر آفریننده آب و یکی از معجزه‌های او معجزه در آوردن آب است. در کتاب «آئین میترا» چنین آمده است:

«... در واقع میترا... نیروی زایبائی را روی زمین تقویت میکند و آب می‌آفریند... »

«... اما میترا میتواند با نیرو کمان خود آب از سنگ خارا بدر آورد و چشمه‌ای بسازد که هیچگاه نخشکد... »

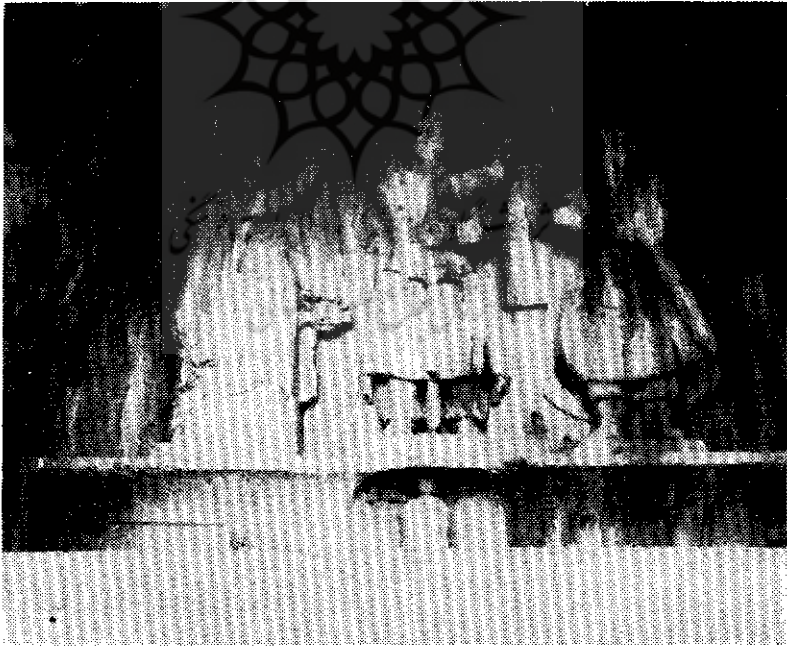
«... در نقش برجسته بسیک هایمان آلمان دو پرده هست که مربوط بآب است... در پرده دوم همین تصویر منتهی با جزئیات بیشتر نقاشی شده است در اینجا میترا کمان بدست آماده انداختن تیر است یکی از دو شخص حاضر در صحنه مصمم بر فتن و زانو زدن جلوی میتراست و شخص سوم میخواهد آب جاری از چشمه را بنوشد در هر دو پرده صخره سنگ شیبه به تکه‌ای از ابر است. چون در مراسم دین مهری صخره سنگ نماد (سمبول) گنبد و آسمان است بنابراین اینطور نتیجه گرفته‌اند که تیر میترا آب را از آسمان بر زمین جاری میسازد. حضور شخص استغائه‌گر معرف این امر است که معجزه در زمانی صورت بسته که آب نقصان یافته و میترا بشریت را از عطش نجات بخشیده است. این داستان سوره هفدهم سفر خروج تورات را بیاد می‌آورد...».

«... در نقش برجسته‌ای که در دیبورگ کشف شده و از جنس سنگ سیاه است میترا در کنار قربانی گاه ایستاده و لباس شرقی بتن دارد در دست راست خدنگی و در دست چپ کمانی گرفته و پائین پای راست او کوزه‌ای قرار دارد. این تصویر تنها نقشی است که در آن معجزه چشمه آب ترسیم شده و در تمام پرده‌های دیگر معجزه آب در پس صحنه تولد میترا قرار میگیرد...».

در ایران باستان فرشته آب بنام «آناهیتا» یاناهید بوده و در بسیاری از تشریفات نقش مهمی داشته است. در طاق بستان دو ایوان با حجاری و نقوش برجسته بسیار زیبا وجود دارد. در انتهای ایوان بزرگتر دو نقش دیده میشود که در نقش پائین خسرو دوم سوار بر اسب نشان داده



شکل ۵- ایوان بزرگ طاق بستان و دو نقش انتهای آن



شکل ۶- آناهیتا در تشریفات یک تاجگذاری ساسانی

شده و نقش بالا مربوط بتاجگذاری یکی از پادشاهان ساسانی است که اهورامزدا و آناهیتا او را منصوب میکنند و آناهیتا در دست چپ خود ظرف آبی دارد که از آن آب میریزد و رمز نعمت و حاصلخیزی است (شکل ۵ و شکل ۶).

در قرآن کریم کلمه آب ۶۳ بار تکرار شده است و بعضی از آیات مربوط بآب در زیر نقل میشود :

وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا...
و بود عرش خداوند بر آب تا ببازماید شما را کدام يك از شما بهتر هستید از لحاظ عمل... (سوره هود آیه ۷).

وَ أَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ لَنُزِّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً .
فرستادیم بادها را آّبستن کننده فرو فرستادیم از آسمان آب (سوره هجر آیه ۲۲).

وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ .
آفریدیم از آب هر موجود زنده‌ای را (سوره انبیا آیه ۳۰).
وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّنْ مَّاءٍ .
خداوند آفرید همه جنبندگان را از آب... (سوره نور آیه ۴۵).
وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا .

فرو فرستادیم از آسمان آب پاک (سوره فرقان آیه ۴۸).
وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا مِنْهُ كُلَّ زَوْجٍ كَرِيمٍ .
فرو فرستادیم از آسمان آبی پس رویانیدیم در آن زمین از هر جفت خوب (سوره لقمان آیه ۱۰).

وَ نَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مَّبَارَكًا .

فروفرستادیم از آسمان آبی مبارک . . . (سوره قاف آیه ۹) .
 همچنین در قرآن کریم کلمه خاک هفده بار تکرار شده و در
 آیه یازدهم سوره فاطر چنین نازل شده است :

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا .
 و خداوند آفرید شما را از خاک سپس از نطفه پس از آن شما را
 زوج قرار داد .

همچنین در سوره الحاقه آیه ۱۷ چنین نازل شده است :

وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ .
 و حمل میکند عرش پروردگارت را بالای سر آنان امروز هشت
 فرشته (یعنی روز قیامت) و در تفسیر ابوالفتوح آمده است که « رسول
 (ص) گفت حاملان عرش امروز چهارند و در قیامت مدد کنند ایشان را
 بچهار دیگر تا هشت » .

مولوی از قرآن کریم الهام گرفته و راجع باصل بشر فرموده است :

نسبت اصلم ز خاک و آب و گل آب و گل را داد یزدان جان و دل
 مرجع این جسم خاکم هم بخاک مرجع تو هم بخاک ای سهمناک

.....

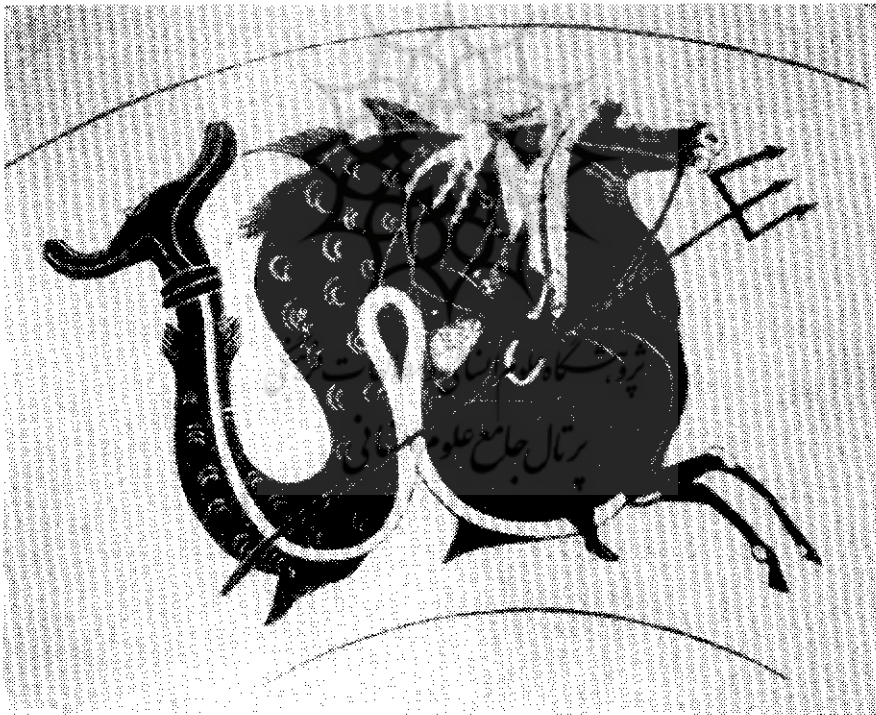
این چنین میناگریها کلاست این چنین اکسیرها اسرار تست
 آب را و خاک را برهم زدی ز آب و گل نقش تن آدم زدی

همچنین در شرح «خلقت جسم آدم علیه السلام» از آیه ۱۷ سوره
 الحاقه الهام گرفته و فرموده است :

حامل عرش این چهارند و تو شاه بهترین هر چهاری ز انتباه
 روز محشر هشت بینی حاملانش هم تو باشی افضل هشت آن زمانش

.....

جهت کن تا این طلب افزون شود تا دلت زین چاه تن بیرون شود
 خلق گوید مردمسکین آن فلان تو بگوئی زنده‌ام ای غافلان
 گر تن من همچو تنها خفته است هشت جنت در دلم بشکفته است
 افکار و نظرات مصری‌ها و بابلی‌ها بیونان نیز راه یافت. «تالس^۱»
 و پس از او «پارمنید^۲» هنگام تدریس می‌آموختند که قرص زمین بر روی
 آبها آرمیده است. «آناکسی‌ماندر^۳» عقیده داشت که زمین در آغاز از
 رطوبت احاطه شده بود. این رطوبت بتدریج در اثر خورشید به بخار



شکل ۷- خدای دریا (از يك طرف يونانی - اقتباس از مجله سيبا)

تبدیل و بدین ترتیب زمین از دریا جدا شد .

مقام الوهیت که یونانیان برای دریا قائل بودند تأثیر این نظر بوده که در تکوین عالم قدمت آب از زمین زیادتر بوده است . یونانیان برای دریا خدائی بنام « نره^۱ » می شناختند و دریا در داستانهای آنان مقام و نقشی بس بزرگ داشته است . شکل ۷ « خدای دریا » را سوار بر يك «اسب دریائی^۲ » نشان میدهد .

بعقیده یونانیان قدیم ، چشمه مکان تولد اسرارآمیز است و آب از يك تاریکی ژرف برون میآید تا بنور و روشنائی برسد و این تولد بی وقفه در جوشهای چشمه تجدید میشود .

زبان یونانی قواعد نسبته ثابتی دارد که بموجب آنها چشمهها ، دریاچهها و دریاها مؤنث در صورتیکه رودخانهها و جویبارها مذکر هستند و این امر بدان علت است که آنچه ساکن و آرام است مؤنث و آنچه حرکت میکند مذکر میباشد .

یکی از مراسم ناگسستنی آئین زرتشت دعای سرسفره بنام «پاژ» یا «باژ» بوده است که در سرسفره هنگام دست بردن بغذا بجا می آوردند : «من نام اورمزد را می ستایم زیرا که او چار پایان ، زمین ، درختان و آب را آفریده است» .

بطور کلی برخی از ملل قدیم آب را می پرستیدند و برای آن نیروی خدائی و آفرینندگی قائل بودند . «کریختن پرتس^۳» می نویسد که در نقاطی از انگلستان آثار و نشانههایی از آب پرستی وجود داشته

۱- Nérée ۲- Hippocampe

۳- Crichton Porteous.

و هنگامی که مسیحیت باین نقاط رسیده شرك و بت پرستی معمول و متداول بوده است. در سال ۴۵۲ میلادی بموجب فرمانی پرستش درختان، چشمه‌ها و سنگ‌ها توهین بمقدسات محسوب گردید و سرانجام در سال ۱۱۰۲ میلادی چاه پرستی قدغن شد. بنظر میرسد که مشکل پرستش آب و چاه تا اندازه‌ای با وقف آنها برای بزرگان و اولیاء دین حل گردید. بعضی از ملل قدیم آب را زایا و مقدس میدانستند بعلاوه برای آن و چشمه‌ها خواص درمانی نیز قائل بودند.

آب در اعمال و تشریفات مذهبی و داستان سرائی‌ها نقش بزرگی را ایفا میکرده است و هنوز مراسم و سنت‌هایی در کشورهای مختلف جهان برگزار میشود که نشانه این امر میباشد و یکی از آنها «آراستن چاهها» در انگلستان است. امروزه هنوز استحمام در رودخانه گنگ را هندی‌ها از اعمال مقدس میدانند.

آب و جلوه‌گرهای گوناگون آن یعنی ابر، باران، برف، دریا، شبنم در زبان‌ها نیز نفوذ و اثر خود را گذارده است و در زبان شیرین فارسی آب و صور آن بشکل لغزهای شیرین و مضامین بکرو دلچسب و بدیع در اشعاری دلپذیر و جملاتی گوشنواز تجلی میکنند و برای حسن ختام این خلاصه، بذکر چند نمونه مبادرت میورزد:

چه جرم است این بر آورده سر از دریای موج افکن

بکوه اندر دمان آتش بیحر اندر کشان دامن

بنالد سخت بی علت بجوشد تند بی کینه

بخندد گرم بی شادی بگرید زار بی شیون

.....

عبدالواسع جبلی

تو در آب اگر به بینی حرکات خویشتم را

بزبان خود بگوئی که بحسن بی نظیرم

سعدی

میخند ای نوجوان زنهار بر موی سپید ما

که این برف پریشان بر سر هر بام می بارد

صائب تبریزی

بیکار نیست گریه بی اختیارشمع آبی بر آتش دل پروانه میزند

صائب تبریزی

شرح داغ دل پروانه چو گفتم با شمع

آتشی در دلش افکندم و آتش کردم

فرخی یزدی

دوش در بزم تو ذوق گریه ام بی تاب کرد

آنچه آتش میکند با شمع با من آب کرد

حکیم محمد تقی شیرازی

عشرت یعقوب در جان زلیخا آتش است

عشق را بنگر که یکجا آب و یکجا آتش است

میرزا فنفور لاهیجی

عکس آن لبهای میگون در شراب افتاده است

حیرتی دارم که چون آتش در آب افتاده است

هلالی چغتایی

یک گل خندان ندیدم من که برگردش نبود

اشک شبنم ناله بلبل فغان باغبان

نظام وفا

نیست شبنم اینکه بینی در چمن کز اشتیاق

پیش لبهایت دهان غنچه آب افتاده است

رهی معیری

منابع اکتساب

- 1- Ninck (M.) : L'eau dans la mythologie , la religion et l'ethnologie . Revue Ciba , No . 66 , avril 1948. Pages 2309_2314.
- 2- Furon (R.) : Le problème de l'eau dans le monde . Paris, 1963. Page 7 .
- ۳- کتاب مقدس . سفر پیدایش . صفحات ۱-۳ .
- ۴- ورماسرن (م.) : آئین میترا . ترجمه بزرگ نادرزاد. تهران ۱۳۴۵ .
صفحات ۱۱۱-۱۱۲-۱۱۹ .
- ۵- ریاضی (غلامرضا) : دانشوران خراسان . مشهد ۱۳۳۶ . صفحه ۹۷ .
- ۶- جنیدی (محمد جواد) : چشمه‌های معدنی ایران (جلد اول) . تبریز ۱۳۴۸ . صفحات ۶-۹ .
- ۷- محمد فواد عبدالباقی : المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم .
قاهره ۱۳۶۴ ه . ق .